

## رویکرد نامتعارف و تمرکز گرایانه جمهوری اسلامی ایران به چالشهای قومی در ایران (سندی مکتوب که محرمانه در اختیار سران حکومت و مجلس قرار گرفت)

### سره‌به‌ست - بیت‌وشی

#### اشاره:

یکی از ویژگیهای استراتژیک ایران، چند ملیتی بودن آن است و مسئله اقوام و ملیتهای گوناگون در ایران همواره از مهمترین چالشهای جدی نظامهای حاکم بر ایران بوده است. بطوریکه نحوه برخورد با این مسئله از یک سو، حاکی از طرز نگاه حاکمیت، و از سوی دیگر سطح توجه به مطالبات و خواست نیتیک ملیتهای درون ایران به شمار می‌رود.

نظام جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و همواره با این معضل دست به گریبان بوده است. از اینرو مدیریت سیاسی حاکم از جانب رژیم ایدئولوژیک اسلامی نه تنها کثیر الملله بودن ایران را مورد انکار خود قرار داده است؛ بلکه با سیاستهای ضد دمکراتیک و ضد حقوق بشر مدام در صدد تشدید تمرکز گرایی و تضییع حقوق ملیتهای خویش بوده است. بر این اساس رژیم حاکم بر ایران از منظر تهدید به این پدیده نگرسته و عملاً برای حل مناقشه و چالشهای قومی خود جز سرکوب و انکار و ساده سازی و سرپوش گذاشتن مدل و راه حل مناسبی ارائه نکرده است. این در حالی است که بر اساس متن سندی که در زیر منتشر می‌گردد، جمهوری اسلامی ایران در دهه چهارم خود نیاز به گفتمانی دارد که بتواند به اهداف تعریف و توصیه شده در متن پیش رو دست یازد. بدیهی است برای عملیاتی کردن این رویکرد نیاز به بافت و زمینه ای مناسب و خلق آن دارد، تا بتواند گفتمانی بیافریند که حد اکثر بهره برداری را از آن داشته باشد. در این اثنا مهره های بی خطر و کم خطر فعالین اقوام و مذاهب گوناگون در صفحه شطرنج ایران از قلم نمی افتند و از آنان نهایت بهره برداری لازم را خواهند نمود. شکی نیست این بازی و سناریو 2 سال است که کلید خورده و شورای امنیت ملی (با همکاری بیت رهبری، اطلاعات و بدنه امنیتی سپاه پاسداران) هم اکنون با خلق فضای مناسب در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در صدد تکمیل کردن پازل این بازی است. با این وصف بازی فریب دادن و فریب خوردن فعالان به اصطلاح مستقل از بدنه حاکمیتی نظام به ویژه شبه تشکیلات و شبه فعالان، لابیست ها و سازمانهای حاضر (اقوام و مذاهب و طبقات متفاوت به ویژه کردها) در انتخابات چه در داخل و چه در خارج و در سطح منطقه از هم اکنون وارد این بازی پر خطر شده اند. با نگاهی به متن این سند به خوبی می توان انتخابات نمایشی و مطرح شدن به اصطلاح مطالبات گوناگون به ویژه قومی - مذهبی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. از این رو توصیه می شود به دقت این متن بازخوانی و مورد تحلیل قرار گیرد.

با این مقدمه کوتاه متن مقاله ای که توسط مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی با همکاری دستگاههای امنیتی به رشته تحریر در آمده و در بین نمایندگان مجلس در سال 1385 بصورت محرمانه پخش گردیده است در معرض دید خوانندگان گذاشته می شود. آنچه جالب توجه می نماید این مسئله است که این مقاله در اواخر دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی تنظیم و در مجلس ششم توضیح گردیده است.

پر واضح است نگاه کلی حاکمیت (تا آن حد که نمایندگان مجلس می توانند به آن دسترسی داشته باشند) در این رابطه در آن مقاله ارائه گردیده است که توجه خوانندگان عزیز را بدان جلب می نمائیم.

## اصل متن

# قدرت نرم، تهدیدها و فرصتهای آن بر امنیت ملی ایران با تأکید بر قومیتها

### مقدمه

پیش‌بینی می‌گردد پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای کنگره و برتری آنان در مجالس سنا و نمایندگان، رویکردهای جدیدی را در سیاستگذاری خارجی آمریکا در نحوه‌ی تقابل با جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد؛ زیرا راهبرد جمهوریخواهان به‌ویژه نومحافظه‌کاران تأکید بر مؤلفه‌های قدرت سخت‌افزاری و ایجاد تهدیدهای برون مرزی است ولی دموکرات‌ها به طور سنتی تأکید بیشتری بر جنبه‌ی نرم‌افزاری قدرت و تأثیرگذاری از درون دارند و معتقدند شانس موفقیت دستیابی به گزینه‌های مهار، تغییر رفتار یا تغییر تدریجی رژیم با تأکید بر مؤلفه‌های داخلی تأثیرگذاری بهتری دارد.

اگر سیاست جمهوریخواهان مبتنی بر تهدیدهای نظامی، منزوی کردن و ایجاد اجماع نسبی برای اعمال تحریم‌های جزئی و گسترده است، سیاست دموکرات‌ها مبتنی بر یک «راهبرد تلفیقی» است که در آن به صورت بهینه از هر دو مقوله قدرت سخت‌افزاری و نرم لحاظ شده باشد؛ در نتیجه در میان مدت به‌طور همزمان شاهد اتخاذ سه استراتژی «سیاست تهدید و تطمیع»، «فشار از بیرون تغییر از درون»، «فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا» در سیاست خارجی آمریکا خواهیم بود.

حمایت آمریکا از بسته‌ی پیشنهادی گروه 5+1 نمونه‌ای از سیاست «چماق و هویج» است که در آن ایالات متحده، ایران را تهدید می‌کند در صورتی که به این پیشنهاد جواب منفی دهد، تحریم‌هایی را بر اساس بند «41» فصل هفتم منشور ملل متحد علیه این کشور تصویب خواهد کرد و اگر با توقف غنی‌سازی اورانیوم موافقت نماید، می‌تواند از بعضی مشوق‌های اقتصادی و سیاسی بهره‌مند گردد. در گزینه‌ی «فشار از بیرون، تغییر از درون»، ایالات متحده همسو با افزایش تدریجی فشارهای خارجی تلاش می‌نماید به بهانه‌ی حمایت از آزادی‌های مدنی و نهادینه کردن دموکراسی و حقوق بشر، بسترهای ناامنی را در داخل کشور تقویت نماید و سرانجام در راهبرد «فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا» آمریکا برنامه‌ریزی می‌کند آستانه‌ی تهدید را به حدی برساند که کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران را در حوزه‌ی دیپلماسی هسته‌ای، نقشه‌ی راه و نظام سیاسی - امنیتی خاورمیانه و ادار به عقب‌نشینی و امتیاز دهی نمایند. به‌ویژه تجربه‌ی جنگ افغانستان، عراق و لبنان به آنان آموخته است که استفاده‌ی صرف از مؤلفه‌های سخت‌افزاری برای تغییر بافت سیاسی - هویتی خاورمیانه کافی نمی‌باشد.

ابزارهای قدرت نرم، مؤلفه‌های اجتماعی و هویتی است که خود را پس از ورود به یک نظام سیاسی و کنش و واکنش متغیرهای داخلی، به‌صورت خروجی‌های سیاسی - امنیتی نشان خواهند داد. به‌عبارت دیگر استفاده‌ی ابزاری آمریکا از مقوله‌های مانند دفاع از حقوق اقلیت قومی - مذهبی، حقوق زنان، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و... این پتانسیل را خواهد داشت در صورت عدم برنامه‌ریزی صحیح از طرف جمهوری اسلامی ایران به‌صورت واگرایی‌های قومی، تمایلات تجزیه‌طلبانه و ناامنی‌های داخلی جلوه‌گر شود و شاهد تبدیل متغیرهای اجتماعی به تهدیدهای نوین سیاسی - امنیتی در میان مدت باشیم. به‌ویژه مسائل قومیتی و هویتی که در مقاطعی از تاریخ از جمله مشروطیت، شکل‌گیری دولت مدرن، سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و پس از انقلاب اسلامی در بعضی مواقع تبدیل به تحركات حاد سیاسی و گاه خشونت‌آمیز شده است.

به‌دلیل این‌که پیش‌بینی می‌گردد راهبرد ایالات متحده برای تغییر رژیم یا تغییر رفتار در ایران در سال 2007، مبتنی بر جنگ نرم، فروپاشی از درون و در چارچوب خاورمیانه جدید پیگیری شود، در نتیجه به‌منظور حفظ وحدت، یکپارچگی و امنیت ملی توصیه می‌گردد اقدام‌های پیشگیرانه لازم برای شکست سناریوهای تهدیدزا در عرصه‌ی نرم‌افزاری انجام دیگر و به یک حرد جمعی و اجماع عقلی در مورد نحوه‌ی تعامل با این‌گونه تهدیدها دست یافت. به همین منظور هدف از تدوین این گزارش این است که علاوه بر بررسی ابزارهای نرم‌افزاری آمریکا علیه ایران به راهکارهای مناسب برای خنثی‌سازی یا تضعیف این نوع از تهدیدها نیز اشاره گردد.

قدرت نرم و تهدیدهای آن علیه امنیت ملی ایران

مهم‌ترین محورهای تهاجم نرم‌افزاری ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

## تضعیف انسجام و یکپارچگی ملی

ایالات متحده برنامه‌ریزی می‌کند اختلاف و بی‌اعتمادی میان جامعه و حاکمیت و از طرفی میان کارگزاران نظام را افزایش دهد و برای دستیابی به این هدف، از روش‌های زیر استفاده می‌کند:

الف) ایجاد میز مخصوص مطالعات ایران در وزارت خارجه و گسترش دفاتر و مراکز مخصوص در شهرهایی که محل تردد تعداد زیادی از ایرانیان است. در این میان شهرهای دوبي، باکو، استانبول، نجف، کربلا، بصره و شهرهای اروپایی که محل تجمع پناهندگانی ایرانی است، در اولویت قرار دارند. مهم‌ترین اهداف آمریکا از ایجاد چنین دفاتری عبارتند از:

- جمع‌آوری، تحلیل و کانالیزه کردن اطلاعات واقعی مربوط به داخل ایران 1. ایالات متحده برای انجام هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران به مواد خام اطلاعاتی در مورد بافت جمعیتی، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و میزان مقبولیت و مشروعیت حاکمیت در جامعه نیازمند است و کسانی می‌توانند اطلاعات دقیقی ارائه دهند که به‌طور دائم به ایران رفت و آمد داشته باشند، به‌عبارت دیگر آمریکا تلاش می‌کند با کار اطلاعاتی بر روی افرادی که پتانسیل لازم برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران را دارند بهره‌برداری نماید.

هدف دیگر آمریکا تمرکز روی ایرانیانی است که در اردوگاه‌های پناهندگی اروپا اقامت دارند و چون اکثر آنان به بهانه‌ی نداشتن آزادی‌های سیاسی و مذهبی پناهنده شده‌اند، ایالات متحده تلاش می‌نماید با بزرگنمایی آن، ایران را در نزد افکار عمومی به‌عنوان کشوری که ناقض حقوق بشر (نقض حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های قومی، آزادی سیاسی، آزادی اجتماعات و...) است، معرفی نماید و طوری تبلیغ نماید که شرایط داخلی ایران طوری است که اقلیت‌های قومی - مذهبی اسکان در اردوگاه‌ها را به ماندن در داخل کشور ترجیح می‌دهند.

- جذب نخبگان اقتصادی، علمی، سیاسی و فرهنگی و انتقال آنان به آمریکا یا تبدیل آنان به عناصر نفوذی دشمن در نهادهای مهم نظامی، اقتصادی، مالی و امنیتی. از طرفی نخبگان جامعه پس از «شست و شوی مغزی» و برگشت به جامعه می‌توانند در قشر وسیعی از جامعه تأثیرگذار باشند. هدف دیگر آمریکا از این اقدام چالش در مسیر توسعه و پیشرفت کشور است.

ب) برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های متعدد با موضوع قومی - هویتی در ایران به‌منظور دستیابی به یک اجماع نسبی در میان نخبگان علمی و آکادمیک.

در این میان آمریکا به همراه لابی صهیونیست به منظو پشتوانه‌ی علمی برای انجام اقدام‌های خصمانه خود تلاش خواهند کرد همایش‌ها و سمینارهایی را با موضوع‌ها قومی ساماندهی و سازماندهی نمایند تا با ایجاد جنگ روانی، محیط قواعد بازی را علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج نمایند و به‌منظور تأثیرگذاری بهتر بر محیط داخلی ایران برنامه‌ریزی می‌کنند تا از رجال و افراد ذی‌نفوذ قومیت‌های مهم ایران نیز دعوت به‌عمل آورند.

ج) ساماندهی و سازماندهی ایرانیان مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ایالات متحده به‌منظور استفاده‌ی بهینه از تمام ابزارهای خود تلاش خواهد کرد با حمایت مالی و سیاسی از گروه‌های سیاسی تبعیدی به‌عنوان عاملی برای افزایش فشار سیاسی برای تغییر رفتار ایرانیان بهره‌برداری نماید و از طرفی با ایجاد محیط مجازی رسانه‌ای و تأسیس رسانه‌های صوتی - تصویری فارسی‌زبان و دعوت از رهبران گروه‌های اپوزیسیون، علاوه بر مطرح کردن آنان در سطح جامعه، برنامه‌ریزی نماید از طریق آنان شکاف‌های قومی - اجتماعی را نیز در جامعه افزایش دهند.

د) گسترش اختلاف میان گروه‌های شیعی و سنی به‌ویژه در کردستان، ترکمن صحرا و بلوچستان. ایالات متحده به‌منظور گسترش شکاف‌های مذهبی و با توجه به این‌که اکثریت شهروندان کرد، بلوچ و ترکمن دارای مذهب تسنن می‌باشند تلاش می‌کنند با دامن زدن به فقدان آزادی‌های مذهبی و بی‌اعتنایی به دولت مرکزی به سنت‌های مذهبی آنان؛ احساس ناامنی را در میان اقلیت‌ها دینی تقویت نمایند و بسترهای منازعات قومی - مذهبی را در کشور افزایش دهند.

2. تأسیس، تقویت و حمایت از سازمان‌های غیر دولتی و... با عناوین بشر دوستانه در همین راستا «موریس کاپیتورن» - نماینده‌ی ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل - در سخنرانی خود در نشست پنجاه و هشتم این کمیسیون به تاریخ 16 آوریل 2006 در ژنو به صراحت بیان کرد که آذری‌های ایران بزرگ‌ترین گروه قومی در ایران می‌باشند که حقوق اساسی آنان از طرف دولت مرکزی نقض می‌گردد.

همچنین نمایندگان پارلمان اروپا در اجلاس ماه اکتبر 2005 در قطعنامه‌ی رفتار دولت ایران با اقلیت‌های قومی - مذهبی به‌ویژه کردها را محکوم کردند.

3. فعال شدن مراکز پژوهشی آمریکا در موضوع‌های مرتبط با مسائل قومی در ایران دو مؤسسه‌ی مهم آمریکا به نام «بروکینگز» و «امریکن اینترپرایز» فعالیت‌های پژوهشی خود را در مورد موضوع‌های قومی در ایران افزایش داده‌اند.

مارک پالمر» مدیر «مرکز سیاست خاورمیانه‌ای سابان» در مؤسسه‌ی «بروکینگز» معتقد است تنها راه تغییر رژیم ایران پیگیری جنگ نرم با استفاده از چهار تاکتیک «دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای، ساماندهی نافرمانی مدنی و دامن زدن به مسائل قومی و نژادی است».

مایکل لدین، ریچارد پرل، داگلاس فیث، پل ولفوویتس و جان بولتون از مهم‌ترین پژوهش‌گران مؤسسه‌ی پژوهشی «آمریکن اینترپرایز» می‌باشند که بر ایجاد تهدیدهای نرم‌افزاری با استفاده از جنگ روانی و ایجاد و ناآرامی‌های مدنی تأکید می‌نمایند، به‌عنوان مثال «مایکل لدین» در سال 2001 مؤسسه‌ی «اتحاد برای دموکراسی در ایران» را پایه‌گذاری نمود و «برنامه‌ی ائتلاف برای مردم‌سالاری در ایران» متأثر از اندیشه‌های وی می‌باشند.

4. افزایش منازعات قومی، مطالبات دانشجویی و صنفی

مخاطبان قدرت نرم بیشتر قومیت‌ها، کارگران، دانشجویان، نخبگان علمی، روزنامه‌نگاران و سرمایه‌داران خواهند بود. به‌طوری که سه طیف دانشجویان، نخبگان علمی و روزنامه‌نگاران را بیش‌تر از طریق نقض آزادی و حقوق بشر تحریک می‌نمایند.

طیف سرمایه‌داران را از طریق بزرگنمایی تهدیدات اقتصادی، مسئولیت و قصور دولت در اعمال تحریم‌های اقتصادی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران بسیج می‌نمایند.

طیف قومیت‌ها را از طریق نقض آزادی‌های مذهبی، عدم تمایل حاکمیت به مشارکت سیاسی توده‌های قومی، عدم توجه دولت به توسعه و عمران استان‌های مرزی و ... و سرانجام طیف کارگران را نیز از طریق ایجاد دامن‌زدن به رکود اقتصادی و تورم تحریک می‌نمایند.

در این میان تحریک گروه‌های قومی در اولویت برنامه‌های آمریکا قرار دارد؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران کشوری با تکثر قومی، فرهنگی و نژادی است که دین، سرزمین، فرهنگ و تاریخ مشترک حلقه‌ی اتصال این جمعیت ناهمگن به یکدیگر است و مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که شکاف‌های قومی - زبانی یکی از مهم‌ترین دلایل منازعات داخلی و تهدید امنیت ملی در این‌گونه جوامع است.

ایالات متحده برنامه‌ریزی می‌کند و اگرایی قومی را با نفوذ در میان افراد ذی‌نفوذ قبایل تشدید نماید تا انسجام ملی را برای دفاع از نظام تصمیم‌گیری حاکمیت کاهش دهد که مهم‌ترین آن‌ها در شرایط کنونی تضعیف دیپلماسی فعال هسته‌ای و تلاش برای پذیرش یک ایران اتمی در نظام امنیت منطقه‌ای خاورمیانه است. از طرفی اکثر استان‌های مرزی ایران نوعی تشابهات فرهنگی، نژادی و زبانی با کشورهای همسایه دارند به‌طوری که خوزستان عرب زبان با عراق و کویت، آذربایجان با ترکیه و جمهوری آذربایجان، بلوچستان ایران با بلوچستان پاکستان، کردستان ایران با کردستان عراق و ... و این مساله باعث می‌گردد در موافقی که رقابت ایران با این کشورها افزایش می‌یابد؛ از این ویژگی‌ها برای گسترش ناامنی‌های قومی در داخل کشور بهره‌برداری نمایند. ایالات متحده نیز برنامه‌ریزی خاصی را در کشورهای همسایه ایران برای دامن‌زدن به بی‌اعتمادی انجام می‌دهد.

پروژه‌ی آمریکا تبدیل مشکلات قومی به تعارض و سپس هدایت آن به سمت منازعات قومی محلی و کشوری با گسترش تمایلات ناسیونالیسم قومی است.

وقوع بحران‌های قومی و توسعه‌طلبی دولت‌های بزرگ یا همسایه در مناطق مرزی متأثر از کاهش قدرت حکومت مرکزی، اختلاف درون ساختاری، دوران گذار در عرصه‌ی داخلی، شرایط اقتصادی، فرهنگی و تمرکز صرف روی چالش‌های خارجی است

اعمال تبعیض‌های مذهبی، افزایش رقابت با کشورهای همسایه، شکل‌گیری احزاب بر اساس قومیت‌ها، تمرکزگرایی، توسعه‌ی ناهمگن و ... بعضی از عوامل تشدید کننده منازعات قومی است. جیمز بیکر» و «لای همیلتون» که در ششم دسامبر 2006 (15 آذر 1385) گزارشی به دولت و کنگره ارائه نمودند، توصیه کرده‌اند در صورتی که جمهوری اسلامی ایران، حمایت از گروه‌های شبه نظامی عراق را متوقف نکند، آمریکا می‌تواند ناامنی داخلی در این کشور را با اطلاعاتی که از تکثر قومی - هویتی ایران دارد افزایش دهد و ادمه ناامنی در عراق را به صورت بازی با حاصل جمع منفی تغییر دهد.

5. بسترسازی برای پذیرش حاکمیت فرهنگی

ایالات متحده با سرمایه‌گذاری ویژه در بخش‌های رسانه‌ای و اینترنت برنامه‌ریزی می‌کند. موج آمریکا ستیزی را در خاورمیانه کنترل و کاهش دهد. از طرف دیگر با گسترش فیلم‌های و سریال‌هایی که هژمونی اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی آمریکا را تبلیغ می‌نماید، تلاش دارد بسترهای لازم برای پذیرش فرهنگ لیبرال دموکراسی را مهیا نماید. زیرا پذیرش حاکمیت فرهنگی پیش‌نیاز پذیرش حاکمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی است بدون این‌که لازم باشد هزینه‌های زیادی مصرف گردد.

راهکارهای جمهوری اسلامی ایران برای خنثی‌سازی تهدیدهای نرم‌افزاری توصیه می‌گردد جمهوری اسلامی ایران به منظور تضعیف سناریوهای تهدیدزا، اقدام‌های پیش‌گانه زیر را انجام داده یا تقویت نماید.

1. توجه بیشتری به فناوری ارتباطات به‌ویژه در عصر جهانی شدن اطلاعات

رسانه‌های صوتی - تصویری - دیداری (مطبوعات) و اینترنت نقش قابل ملاحظه‌ای را در مدیریت افکار عمومی، تقویت انسجام ملی، فرهنگ‌سازی و مهار تهاجم نرم‌افزاری آمریکا به عهده دارند. در این میان نقش صدا و سیما، وزارت اطلاعات، مخابرات و فرهنگ و ارشاد اسلامی برجسته‌تر از سایر نهادهاست.

2. افزایش مشارکت حداکثری مردم در نظام‌های انتخاباتی کشور به‌ویژه در استان‌های مرزی در این کارکرد، نقش وزارت کشور، شورای نگهبان، وزارت اطلاعات و صدا و سیما برجسته‌تر از سایر نهادهاست و توصیه می‌گردد به منظور افزایش رقابت سالم و مشارکت حداکثری، تمام احزاب و جریان‌های سیاسی که به نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی پایبند می‌باشند، نمایندگانی را در انتخابات داشته باشند و در زمینه تأیید صلاحیت‌ها تا حد ممکن تلاش نموده تنوع افکار و سلیقه‌های گوناگون رعایت گردد. به‌ویژه در مورد نمایندگان قومیت‌ها توصیه می‌گردد از سخت‌گیری‌های بی‌مورد اجتناب گردد. دستیابی به مشارکت حداکثری می‌تواند مشروعیت کارگزاران نظام را افزایش دهد و تصمیم‌گیری‌ها را از یک پشتوانه ملی برخوردار نماید و قدرت نظام تصمیم‌گیری را به اقتدار تبدیل نماید که نمادی از وجود قدرت نرم در داخل کشور است.

افزایش مشارکت سیاسی قومیت‌ها نقش مهمی را در کاهش امنیتی شدن قومی ایفا می‌نماید.

3. افزایش توجه به مطالبات قومی به مطابقت رسیدگی به مطالبات قومی به‌ویژه در استان‌های مرزی افزایش یابد، زیرا بخش قابل توجهی از گروه‌های قومی مانند بلوچ‌ها، عرب‌ها، آذری‌ها، کردها و ترکمن‌ها در مناطق مرزی کشور زندگی می‌کنند و بدون تردید وحدت و انسجام ملی کشور مرهون همزیستی و روابط مسالمت‌آمیز اقوام با یکدیگر است و هرگونه افزایش عقده‌ی سیاسی - معنوی اقوام به دولت مرکزی باعث افزایش اقتدار نظام و تضمین بهتر امنیت ملی می‌گردد و باعث می‌گردد آنان تصمیمات دولت مرکزی را در تعارض با تعلقات هویتی خود احساس نکنند.

4. تقویت وابسته‌های اطلاعاتی در سفارتخانه‌ها جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه که به نحوی با استان‌های مرزی تشابهات فرهنگی، زبانی و نژادی دارند.

5. ارتباط مستمر نمایندگان شهرهای استان‌های مرزی در مجلس شورای اسلامی و انتقال مشکلات آنان به کمیسیون‌ها تخصصی و تذکر به افراد مسئول

توصیه می‌گردد سفرهای استانی نمایندگان به‌ویژه شهرهای که محل سکونت قومیت‌های ایران است افزایش یابد و ضرورت دارد قبل از این‌که مشکلات قومی به چالش‌های قومی تبدیل گردد، راهکارهایی علمی برای حل مشکلات این استان‌ها انجام شود، زیرا عناصر اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل در کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی خواهند کرد، با بزرگنمایی مشکلات قومی آن را به چالش‌های قومی و سپس تعارض‌های قومی تبدیل نمایند.

6. مشخص نشدن آمارهای قومی به‌صورت آشکار در سرشماری نفوس و مسکن سال 1385

یکی از ابزارهای مورد نیاز برای گسترش ناامنی‌های قومی، دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد از تعداد و ترکیب دقیق قومیت‌ها و میزان اسکان آنان در استان‌های مرزی است که دشمنان نظام حتی در صورت تأمین بودجه فراوان نیز قادر نخواهند بود به اطلاعات دقیقی در این مورد دست یابند، در نتیجه اگر در سرشماری نفوس و مسکن با هزینه‌های ملی تعداد و ترکیب جمعیتی اقوام را به‌صورت دقیق منتشر نماید؛ می‌تواند به‌صورت یک منبع اطلاعاتی قابل اعتماد برای دشمنان در جهت گسترش ناسیونالیسم قومی مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

پس از این‌که تحلیلگران نظامی - سیاسی ایالات متحده متوجه شده‌اند از طریق تهدیدهای سخت‌افزاری صرف نمی‌تواند گزینه‌ی تغییر رفتار یا تغییر رژیم ایران را عملیاتی نماید، تصمیم گرفته‌اند راهبرد خود را تغییر داده و تلفیقی از مؤلفه‌های سخت‌افزاری را تدارک ببینند و با تمرکز بر ابزارهای قدرت نرم و استفاده‌ی ابزاری از مفاهیم عوام‌پسندانمانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر، بسترهای ناآرامی‌های داخلی را به منظور امتیازگیری در عرصه‌ی خارجی فراهم نمایند و آنان با توجه به بافت هویتی - جمعیتی ایران بیشتر بر روی قومیت‌ها متمرکز می‌گردند. بدین جهت لازم است (ستادی ویژه) در نهادها مرتبط مانند وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، علوم، فرهنگ و صدا و سیما تشکیل شود تا بتوان به‌صورت هدفمند و پرهیز از کارهای موازی، در کوتاهترین زمان به یک خرد جمعی در زمینه نحوه‌ی مقابله با تهدیدهای نرم‌افزاری دشمنان به‌ویژه در زمینه‌ی قومیت‌ها دست یافت.

جمهوری اسلامی ایران برای تأثیرگذاری مؤثر عمومی داخلی و منطقه‌ای می‌تواند با ایجاد و مراجعه به سایت‌های اینترنتی و حمایت از گسترش هدفمند شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی در جهت تضعیف جنگ رسانه‌ای علیه ایران بهره‌برداري نماید.

توصیه می‌گردد جمهوری اسلامی ایران با حمایت از بعضی شبکه‌های ماهواره‌ای که از داخل کشورهای عربی پخش می‌گردند، به‌طور غیر مستقیم نقش خود را در محیط مجازی رسانه‌ای خاورمیانه گسترش دهند زیرا جوامع عربی نسبت به برنامه‌هایی که از کشورشان پخش می‌گردد و به فرهنگ، سنت و زبان آنان همگونی دارد، تأثیرپذیری و اعتماد بیشتری دارند.

از طرفی ضرورت دارد مراکز وزارت اطلاعات در استان‌های مرزی و شهرهایی که محل سکونت قومیت‌های مختلف است، نسبت به چاپ مقاله‌ها و تحرکات مشکوکی که می‌تواند قومیت‌ها را

[www.helwist.com](http://www.helwist.com)

تحريك نمايد، جلوگيري کرده و نهادهاي ذيربط با شناسايي عوامل تحريك‌کننده مسائل را ريشه‌يابي نمايند، زيرا مهار مشکل بسيار کم‌هزينه‌تر از مهار بحران است به‌ويژه در شرايطي که نيروهاي نظامي - اطلاعاتي آمريکا و عوامل اطلاعاتي اسرئيل در اطراف مرزهاي جمهوري اسلامي ايران متمرکز شده‌اند..

پايان

معاونت پژوهشي - دفتر مطالعات سياسي  
مجلس شوراي اسلامي  
کد موضوعي: 160  
شماره مسلسل: 8418  
آذرماه 1385  
تلفن: 21-88979025

[www.helwist.com](http://www.helwist.com)

کپی برداری و استفاده این مطلب با ذکر منبع آزاد می‌باشد - سایت **هلوئیست**